

# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمان: ۹۰ دقیقه | شماره برگه: ۱۴ | شماره ثبت: ۷۰ دقیقه

شماره نام و نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام و نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیمسال دوم ۹۷-۹۶  
رشته تفسیر ورودی مهر ۹۵

مهر مدرسه

کتاب:	اصول فقه مرحوم مظفر
موضوع:	جد سوم و چهارم: از ابتدای «المقصد الثالث: مباحث الحجّة» تا ابتدای «الباب الخامس: حجّة الظواهر» (ص ۱۴۲-۷) به استثنای مباحث مقدمات دلیل انسداد تا ابتدای کتاب العزیز (ص ۵۲-۲۲). مبحث دلیل حجیت خبر الواحد من الاجماع (ص ۹۶-۸۹) و بحث الباب الثالث الاجماع (ص ۱۲۵-۱۰۱)
تاریخ:	۱۳۹۷/۰۴/۰۲
کلاس:	۳۹۶۲/۱۲
موضوع:	اصول فقه ۳

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... مدرسه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۰/۵

۱- موضوع در مباحث حجّت چیست؟ ص ۱۰ و ۱۱

- الف. الأدلّة الأربعة بما هي أدلّة
- ب. الحجّة بما هي حجّة
- ج. الدلیل بما هو دلیل
- د. ذات الدلیل

۰/۵

۲- مدرک «أصالة عدم نسخ الكتاب» چیست؟ ص ۶۱

- الف. قاعدة الاشتغال
- ب. الاستصحاب
- ج. الاجماع
- د. البرائة

۰/۵

۳- نظر مصنف (۵) درباره «الفاعل الذي لم يظهر حاله في كونه من مختصات المعصوم (عليه السلام) أو ليس من مختصاته و لا قرينة تُعيّن أحدهما» چیست؟ ص ۶۹

- الف. حُكم بعمومه للجميع
- ب. حُكم بأنّه من مختصّات المعصوم (عليه السلام)
- ج. لا ظهور له أصلاً في أنه يختص بالمعصوم أو عمومه للجميع
- د. اذا كان الفعل من النبي (صلى الله عليه و آله) حُكم بالاختصاص و الا حكم بعمومه للجميع

۰/۵

۴- کدامیک از گزینها در رابطه با استدلال به آیه شریفه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبْحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (الحجرات: ۶) بر حجیت خبر واحد به نظر مصنف صحیح است؟ ص ۷۶ و ۷۸

- الف. «أن تصيبوا قوما بجهالة» مفعولاً لـ «تبيّنوا»
- ب. «أن تصيبوا قوما بجهالة» كلام مستأنف
- ج. التبين بمعنى الظهور فيكون فعلها لازماً
- د. أن الجهل مقابل للعلم بتقابل التضاد

۲

۵- کدام قسمت عبارت «و قد اشير في تعريف الأمانة إلى خروج الاصول العملية بقولهم: كل شيء يثبت متعلقه و لا يبلغ درجة القطع» به خروج اصول عملیه از تعريف اماره اشاره دارد، تبیین کنید. ص ۱۷ - ۲ نمره

جواب: بوسیله «یثبت متعلقه» زیرا اصول عملیه متعلق خود را اثبات نمی کند چرا که زبانش زبان اثبات واقع و حکایت آن نیست؛ اصل عملی در واقع مرجعی برای مکلف در مقام عمل هنگام تحبیر در حکم واقعی است و فقط عذری برای مکلف فراهم می آورد.

۲

۶- ظن خاص و ظن مطلق را تعریف کرده و مراد از آن ها را بیان کنید. ص ۳۱ - ۲ نمره

جواب: ظن خاص: هر ظنی است که یک دلیل قطعی، جز دلیل انسداد کبیر، بر حجیت و اعتبار خصوص آن قائم شده باشد. بنابر این مراد از آن اماره ای است که مطلقاً حجّت است حتی در صورت انفتاح باب علم.  
ظن مطلق: هر ظنی است که دلیل انسداد کبیر حجیت و اعتبار آن را اثبات کرده است. پس، مقصود اماره ای است که در خصوص حالت انسداد باب علم و علمی حجّت می باشد، یعنی در جایی که هم باب علم به احکام بسته است و هم باب طرق علمی که ما را به آن احکام می رسانند.

۲

۷- با توجه به عبارت «النسخ اصطلاحاً: رفع ما هو ثابت في الشريعة من الأحكام و نحوها» مراد از «الثبوت في الشريعة» چیست و چه چیزی را خارج می کند؟ آن را تبیین کنید. ص ۵۵ - ۲ نمره

جواب: مقصود از «ثبوت در شریعت» ثبوت واقعی و حقیقی است، در برابر ثبوت ظاهری که منشأ آن ظهور لفظی است. از این رو، اگر حکمی که بواسطه ظهور عموم یا اطلاق ثابت است، توسط دلیل مخصّص یا مقید برداشته شود، نسخ نامیده نمی شود، بلکه به آن تخصیص یا تقیید و مانند آن گفته می شود، زیرا دلیل دوم بواسطه قرینیت ظهور دلیل نخست مقدم می گردد، و مراد واقعی شارع را نشان می دهد، پس حکم شارع را بر نمی دارد مگر برحسب ظاهر، برخلاف نسخ.

۸- با توجه به عبارت «من الآيات التي ذكروها على حجية خبر الواحد آية الكتمان؛ و حاصل الاستدلال: أن هناك ملازمة عقلية بين وجوب الإظهار و وجوب القبول، وإلا لكان وجوب الإظهار لغواً و لما كان وجوب الإظهار مطلقاً من ناحية العلم فكذلك لازمه و هو وجوب القبول.» نحوه استدلّال به آیه‌ی شریفه بر حجیت خبر واحد را توضیح دهید. ص ۸۵

۲

جواب: از آنجا که در این آیه خداوند کتمان را حرام فرموده پس اظهار بینات واجب می‌شود پس وقتی اظهار واجب شد قبول هم واجب است و الا اگر اظهار واجب باشد ولی قبول آن واجب نباشد لغویت لازم می‌آید و با توجه به این که وجوب اظهار در این آیه مطلق است و مقید به این نشده که باعث علم شود، لذا لازمه‌اش هم که وجوب قبول است مطلق می‌شود بدون اینکه مقید به حصول علم گردد پس خبر واحد حجت است و لو منجر به حصول علم نشود.

۹- با توجه به عبارت «يكفي في الردع عن بناء العقلاء على العمل بخبر الواحد، الآيات الناهية عن اتباع الظن و ما وراء العلم كآية (إن الظن لا يغني من الحق شيئاً) و قد عالجتنا هذا الأمر فيما يتعلّق بشمول هذه الآيات الناهية للاستصحاب» چرا آیات ناهیه از اتباع ظن صلاحیت ردع از استصحاب را ندارند؟ آن را تبیین کنید. ص ۹۸ - ۲ نمره

۲

جواب: زیرا مقصود از نهی از پیروی غیر علم، نهی از آن است در جایی که مقصود از آن اثبات واقع باشد، مانند آیه «إن الظن لا يغني من الحق شيئاً» درحالی که مقصود از استصحاب، اثبات واقع و حق نیست؛ بلکه یک اصل عملی است که هنگام شک در واقع و حق به آن مراجعه می‌شود؛ در نتیجه استصحاب خروج موضوعی از عموم این آیات دارد.

۱۰- اقسام عقل به اعتبار متعلق ادراک را تعریف کنید و همراه با مثال بیان کنید مقصود مصنف از دلیل عقلی در بحث حجیت دلیل عقلی کدام یک از اقسام عقل است؟ ص ۱۳۳ و ۱۳۴ - ۲ نمره

۲

جواب: عقل تقسیم می‌شود به عقل نظری و عقلی عملی که عقل نظری عبارت است از: ادراک آنچه شایسته است دانسته شود، یعنی ادراک اموری که دارای واقع است. و عقل عملی عبارت است از: ادراک آنچه شایسته است عمل شود، یعنی حکم عقل به اینکه این فعل، شایسته است انجام شود، یا شایسته نیست انجام شود. و مقصود از دلیل عقلی، حکم عقل نظری است به ملازمه میان حکمی که شرعاً یا عقلاً ثابت است و حکم شرعی دیگر، (- ذکر یکی از این مثالها کافی است- مانند حکمش به ملازمه در مسأله اجزاء و مقدمه واجب و مانند آن، و حکمش به محال بودن تکلیف بدون بیان که لازمه‌اش حکم شارع به براءت است، و حکمش به مقدم ساختن اهم در مورد تراحم میان دو حکم که از آن فعلی بودن حکم اهم نزد خداوند نتیجه گرفته می‌شود، و حکمش به وجوب مطابقت حکم خدا با آنچه عقلاً در آراء محموده به آن حکم کرده‌اند.)